



بِه نام خِداوَن دِخِش تَنده مِه رِبان



جلسه چهارم

آثار و اسرار نماز



مرکز آموزش مجازی دانشگاهیان





جلسه چهارم

سر تکبیر و بلند کردن دست ها و ذکر این دو

ما در جلسات گذشته و در فواصل قبلی در بحث اسرار "نماز" پرداختیم به ضرورت و دلیلی که وجود دارد برای دانستن اسرار و باطن‌های نماز. چه باطن خود نماز، چه باطن و سر و غیب و ملکوت اجزاء نماز.

از این جلسه بنا داریم وارد شویم و اسرار اجزاء نماز را مطرح کنیم. نماز مقدماتی دارد، تعقیباتی دارد.

با بحث **نیت** شروع می‌کنیم. نیت هم در مقدمات نماز که از طهارت که در بحث وضو و غسل مطرح می‌شود به عنوان سرّ می‌تواند مطرح شود و هم در مورد خود نماز. یکی از شرایط صحت نماز، نیت است. خب نیت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. با آیات و روایات و اخباری که تأکید ویژه در مورد نیت یک عمل کرده است. آن روایت مشهور را حتماً شنیدید که می‌گوید «إنّما الاعمال بالنیّات» زیاد هم در عرف از این روایت استفاده می‌شود. که اساس و جوهره اعمال، نیت آن است. آن قصدی است که آن عمل با آن قصد و نیت شکل گرفته است. این آیه زیبا از سوره شعراء / آیه ۸۹ به زیبایی از حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌شود. حضرت دارند دعا می‌کنند و می‌فرمایند: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ خدایا من را در آن روزی که مردم برانگیخته می‌شوند خار نکن، روزی که مال و فرزند سودی ندارند «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» الا درباره کسی که با قلبی سالم به نزد خداوند متعال بیاید. یعنی قلب سلیم، قلبی که دارای نیت سالم و خالص از شوائب باشد و فقط برای خدا اعمال را انجام داده باشد این نجات پیدا می‌کند. چقدر زیبا این آیه شریفه اشاره به نیت دارند.

بنابراین اهمیت نیت، در اعمال، بحثی است که در فرهنگ اسلامی پذیرفته شده و روشن است. لذا خدای متعال در آن آیه شریفه فرمان می‌دهد و می‌فرماید «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بگو که همانا نماز و اعمال دیگر عبادی من، حیات من و مرگ من برای خدا، پروردگار جهانیان است.



بنابراین منظور ما از نیت در بحث اسرار نیت، قصد و آهنگ خدا کردن است. وقتی ما می‌گوییم وقتی نماز باید به آن نیت خدایی ضمیمه شود یعنی انجام نماز، باید برای خدا باشد.

در کنار نیت، بحث دومی که مطرح می‌شود بحث «اخلاص» است. یعنی غربال کردن این نیت از شائبه‌ها. در روایات ما اشاره شده که با اخلاص است که مراتب افراد فرق می‌کند. یعنی شاید ظاهر نماز یک شخص از جهت آداب با شخص دیگر فرق نکند، اما نماز این شخص، از زمین تا آسمان با نماز شخص دیگر فرق کند. اشاره کنم به آن روایت زیبایی که شاید شنیده باشید در مورد ضربت امیرالمؤمنین (ع) در نبرد با عمر بن عبدود که آن نبرد زیبا را پیامبر (ص) در مورد امیرالمؤمنین (ع) فرمودند که «ضربت علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین» چطور می‌شود یک ضربت امیرالمؤمنین در غزه خندق از عبادت جنّ و انس برتر می‌شود؟ این چیزی نیست که الا این که نیت حضرت و آن خلوص نیت از شوائب، که نه بخاطر دنیا و نه بخاطر جاه و نه بخاطر چیزی از این قبیل است، باعث می‌شود که یک ضربه حضرت از عبادت جنّ و انس برتر بشود. بنابراین نیت نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند و عیار رتبه‌بندی یک عمل است.

در مورد سرّ نیت به عنوان یکی از اجزاء مهم نماز صحبت می‌کردیم. عرض کردیم نیت نقش مهمی را در یک عمل بازی می‌کند. لذا در روایت نقل شده که حضرت فرمودند که «نیت المؤمن خیر من عمله» نیت مؤمن، بهتر از عمل اوست. اگر ما بخواهیم با این روایت در مورد نماز صحبت بکنیم می‌توانیم بگوییم نیت یک نمازگزار خیلی مهم‌تر و در درجه عالی‌تری قرار دارد نسبت به ظاهر نماز او. و باید عرض کنیم که «تسویه العمل اشدّ من العمل» در روایات ما اشاره شده که صاف کردن یک عمل از نیت‌های دنیایی و از نیت‌هایی که غیر خدا در او هست، کار سنگینی است. لذا حضرات معصومین (ع) فرمودند که افراد، درجات‌شان به تناسب اخلاص‌شان فرق می‌کند. چقدر این روایت به زیبایی اشاره می‌کند که امام صادق (ع) می‌فرماید که بندگان و کسانی که خدای متعال را عبادت می‌کنند سه دسته هستند.



یک) گروهی که خدای متعال را از ترس عبادت می‌کنند «قومٌ عَبْدَ اللَّهِ خَوْفًا فَتْلِكَ عِبَادَتِ ابِي» که این عبادت بردگان است.

دو) دسته‌ای از مردم که خدای متعال را به طمع ثواب عبادت می‌کنند و این عبادت مزدوران است یعنی کسی که می‌خواهد آن ثواب را به دست بیاورد خدا را عبادت می‌کند. سه) ودسته سوم، «قومٌ عَبْدُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حُبًّا لَهُ» بخاطر دوست داشتن خدا «فتلک عِبَادَتِ الْاِحْرَارِ» امام صادق(ع) این عبادت انسان‌های آزاده است. «و هي أفضل العباده» و این برترین عبادت‌هاست.

در نهایت من ضمیمه کنم بحث اخلاص را که خیلی باب گسترده‌ای است به عنوان سرّ نیت می‌شود روی آن صحبت‌های زیادی را مطرح کرد از روایات اهل بیت(ع)، این روایت زیبا که از امام صادق(ع) سؤال شد که در مورد این «قلب سلیم» که در آیه شریفه ای که مطرح شد «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» از حضرت سؤال کردند منظور از قلب سلیم و قلب سالم چیست که در این آیه فرموده کسانی که با قلب سلیم نزد خدای متعال بروند این‌ها نجات یافته هستند؟ حضرت فرمودند: «الذی یلقى ربّه» منظور آن قلبی است که با خدا ملاقات کند، لقاء قلبی است. «و لیس فی احدٌ سواه» در حالی که جز خدا احدی در دلش نباشد و هر دلی که در آن شرکی یا شکی باشد ساقط است. این دارد آن درجات عالی و قله‌های نیت و اخلاص را به ما نشان می‌دهد و به آن سمت حرکت کرده است. بنابراین اگر خواستیم به سمت خالص‌سازی و غربال کردن نیت حرکت کنیم راه آن مدد از خود خدای متعال است.

اما رسیدیم به بحث مقارنات نماز، که «تکبیر» است. البته وقتی می‌گوییم تکبیر که به زبان ساده خودمان همان «الله اکبر» باشد، این از مقدمات نماز شروع می‌شود یعنی از همان نماز، چندین مرتبه «الله اکبر» تکرار می‌شود تا ابتدای نماز که ما یک «الله اکبر» مهم دارد. از این جهت که این «الله اکبر» شاید تنها واجب بین «الله اکبر»‌های نماز باشد یعنی تکبیره الاحرام، تکبیری که باعث حرام شدن یکسری کارها می‌شود و انسان با او احرام نماز می‌بندد و وارد محدوده واجبات نماز می‌شود.



خب اگر بخواهیم در مورد سرّ تکبیر صحبت کنیم، تکبیری که قبل از نماز با اذان شروع شده و در اذان چندین بار تکرار شده، نماز با او شروع شده و در طول نماز هم این «الله اکبر» به صورت عدد مستحب چندین مرتبه تکرار می‌شود. برای نمونه، قبل از این که شما رکوع بروید می‌گویید الله اکبر. بعد به رکوع می‌روید «سبحان ربّی العظیم و بحمده» و تا آن «الله اکبر»های انتهایی نماز که شاید جزء تعقیبات هم محسوب می‌شود و ادامه تعقیبات، مثل تعقیبات تسبیحات حضرت زهرا(س)، «الله اکبر» مکرر تکرار می‌شود، این‌ها نشان از این دارد که تکبیر، یک نقش حیاتی دارد در الفاظ و آن سخن‌هایی که در طول مقدمات و مقارنات و تعقیبات نماز گفته می‌شود.

سرّ «الله اکبر» چیست که قسمت اعظم از نماز را به خودش اختصاص داده است؟ ببینید در مورد سرّ تکبیر، که معنای تکبیر هم یعنی بزرگ داشتن خدای متعال است، و «الله اکبر» هم یعنی خدا بزرگ‌تر است. اگر بخواهیم خودش را معنا کنیم یعنی خدا بزرگ‌تر است. از دو جهت می‌توانیم صحبت کنیم، یک جهت این است که در کنار تکبیر یک فعلی انجام می‌شود. می‌دانید در تکبیر، دست‌ها به موازات تا گوش بالا می‌آید و بعد پس از پایان تکبیر پایین می‌آید. این چه معنا و چه سرّی دارد؟ این چه حالت انسان در حین تکبیر است که در تکبیره الاحرام و تکبیرهای نماز انجام می‌شود. و دیگری سرّ ذکر «الله اکبر» است یعنی خود «الله اکبر» چه نقشی را در نقشه زیبای نماز برای بدست آوردن حقیقت نماز، آثار خوب نماز در زندگی‌مان بازی می‌کند؟ انشاء... در فواصل بعدی به بیان سرّ حالت نمازگزار در حین تکبیر که گفتیم دست‌ها را به موازات تا گوش بالا می‌آورد و همین‌طور سرّ الفاظ «الله اکبر» و سرّ «الله اکبر» خواهیم پرداخت.

تکبیرات در نماز، از مقدمات نماز شروع می‌شود. مثل «الله اکبر»هایی که در نماز و اقامه هست و نماز با «الله اکبر» تکبیر الاحرام که «الله اکبر» بسیار مهمی است آغاز می‌شود و با «الله اکبر»های مستحبی که در طول نماز هست و در انتهای نماز، و همین‌طور در تعقیبات مثل تسبیح و تسبیحات حضرت زهرا(س) ادامه پیدا می‌کند. و گفتیم که سرّ تکبیر، از دو جهت می‌شود به آن نگاه کرد. یک جهت سرّ آن حرکت و



فعلی که در حین تکبیر انجام می‌دهیم، مخصوصاً در نماز که عرض کردیم دست‌ها را به موازات تا گوش بالا می‌آوریم، سر و باطن این چیست؟ و دوم این که ذکر «الله اکبر» سر و باطنش چیست؟ عرض می‌کنم سر ذکر «الله اکبر» در این روایت زیبا، توسط امام صادق(ع) در یک مکالمه‌ای که با یکی از پرسش‌گرها حضرت انجام دادند حضرت به نحو احسن بیان کردند. چون اگر من بگویم تکبیر یعنی چه؟ شما می‌گویید تکبیر یعنی بزرگ داشتن خدا، «الله اکبر» هم یعنی خدا بزرگ‌تر است. لذا امام صادق(ع) جایی حضور داشتند، شخصی خدمت حضرت گفت «الله اکبر» - دیدید در الفاظ عرفی زیاد است که ما از تعبیر «الله اکبر» استفاده می‌کنیم - گفت «الله اکبر»، حضرت از او پرسیدند که «الله اکبر من ائی شیء» این که می‌گویی خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است از چه؟ شخص یک تأملی کرد، گفت «من کلّ شیء» خدا بزرگ‌تر است از هر چیزی. همان چیزی که اگر از من و شما هم بپرسند شاید همین را جواب بدهیم و بگوییم «الله اکبر» یعنی «الله اکبر من کلّ شیء» خدا بزرگ‌تر هست از هر چیزی. اما امام صادق(ع) بلافاصله فرمودند «حدّته» حالا که گفتی خدا بزرگ‌تر است از هر چیزی، خدا را محدود کردی، چون تو برای این که بگویی خدا بزرگ‌تر است از هر چیزی، آمدی فرض کردی که خدای متعال قابل مقایسه با بقیه اشیاء هست، خدا را توصیف کردی، و این توصیف‌گری خدا، مساوی است با محدود کردن خدا. لذا امام صادق(ع) گفت این‌طوری بگو «الله اکبر من یوصف» نگو خدا بزرگ‌تر از هر چیزی است، این یک جور محدودتر کردن خداست، بگو خدا بزرگ‌تر از هر چیزی است که وصف شود. یعنی ما باید متوجه این باشیم که هر چقدر هم تلاش کنیم، به تعبیر پیامبر اکرم(ص) که فرمود «ما عرفناک حق معرفتک» ما تو را به آن صورتی که شایسته توست نشناختیم، هیچ وقت نمی‌توانیم به نحو احسن خدا را بشناسیم.

تکبیر یک ذکری دارد و یک حرکتی هم در حین تکبیر دارد مخصوصاً در تکبیر الاحرام را ما این حرکت را معمولاً انجام می‌دهیم. اگرچه در طول نماز هم مستحب است که دست‌ها را در حین تکبیر تا گوش‌ها به موازات بالا بیاوریم و بعد پایین بیاوریم ولی معمولاً ما اول نماز انجام می‌دهیم و بعد آن سه تا آخر نماز را انجام می‌دهیم. خوب است که در



بقیه تکبیرها هم این ادب و این مستحب انجام بشود. حال معنای آن چیست؟ شما حتماً در عرف، در مورد سرّ بالا آوردن دست‌ها در هنگام تکبیر چیزی شنیدید، من می‌خواهم از امام رضا(ع) روایتی را هدیه کنم. فضای سخن‌مان را از اسرار نماز معطر کنیم به تعبیری از امام رضا(ع) که حضرت فرمودند: «لو عَرَفَ النَّاسُ مَحَاسِنَ كَلَامِ اللَّهِ لَتَبْعُونَا» اگر مردم زیبایی کلام ما اهل بیت را بشنوند خودشان دنبال کلام ما می‌آیند. این خیلی نکته مهمی است. ما در محضر امام رضا(ع) هستیم و می‌خواهیم از زیبایی‌های کلام خودشان به تعبیر خودشان استفاده کنیم. از حضرت در مورد علت بالا بردن دست‌ها در هنگام تکبیر صدا شد. سؤال شد که «لمن يرفع يدين في التكبير؟» چرا دو دست در هنگام تکبیر بالا برده می‌شود؟ «قيل لأنّ رفع اليدين هو ضرب من الابتهاال و توطل و تورع و احبّ الله عزوجلّ أن يكون عبده في وقت ذكره له متوطلاً متضرعاً مبتهلاً، و لأنّ في رفعه يدين احضاراً نيّته و اقبالاً قلبه على ما قال و قصّد--- ۳۰:۱۳----» این روایت در عیون الاخبارالرضا(ع)، جلد ۲، ص ۱۱، ذکر شده است. چقدر زیبا امام رضا(ع) سرّ این حرکت بالا بردن دست‌ها را بیان می‌کنند. بالا آوردن دست‌ها نوعی زاری کردن، توطل و بریدن از غیر، و اظهار خالی است. یعنی شما وقتی دست‌هایتان را بالا می‌آورید مثل آدمی هستید که بیچاره است. دیدید آدمی را که اسیر می‌کنند دست‌هایش را بالا می‌برد؟ بله این حرکات روابط عرفی با هم دارند یعنی خداوند متعال این‌ها را در نظر گرفته و این حرکات را تشریح و واجب کرده است. لذا امام رضا(ع) فرمود در بالا آوردن دست‌ها نوعی اظهار زاری و اظهار خواری و بریدن از غیر خدای متعال است. در مجموعه اسرار اجزاء نماز، تکبیر، یک نقش بسیار مهمی دارد و سرّ تکبیر به عنوان یکی از اجزاء مهم که جزو ارکان واجب نماز هم هست، مخصوصاً «الله اکبر» ابتدای این تکبیره الاحرام صحبت کردیم.

نکاتی در مورد ذکر «الله اکبر» گفتیم و بعد هم نکاتی را در مورد بالا آوردن دست‌ها به هنگام تکبیر به موازات تا گوش‌ها و پایین آوردن با اتمام تکبیر، بیان کردیم و گفتیم ائمه معصومین و اهل بیت(ع) چه اسراری را، چه غیبی را، چه ملکوتی را، چه باطنی را، چه سرچشمه و مخزنی را برای این حرکت بیان کردند.



دلیل و سرّ دیگری که امام رضا(ع) برای بالا بردن دست‌ها بیان می‌کنند خیلی زیباست، فرمودند این که شما دست را بالا می‌برید چون یک حرکتی است که خودتان به چشم مشاهده می‌کنید متوجه می‌شوید که می‌خواهم وارد نماز بشوم، مخصوصاً در تکبیره الاحرام که تکبیر آغازین نماز است. می‌خواهم «الله اکبر» بگویم. یا در تکبیرهای مقارنات نماز، شما دست‌ها را بالا می‌برید این باعث می‌شود که حواس تان جمع بشود وقتی می‌گویید خدا بزرگتر است از آن که وصف شود و من توجه‌ام باید به او باشد، این «الله اکبر» شما را متوجه نیت تان می‌کند، متوجه می‌کند و آماده می‌کند که شما اقبال کنید و روی بیاورید و حواس مان جمع نمازمان باشد چون عرض کردیم قبل از این، شیطان به صورت ویژه در نماز سرمایه‌گذاری می‌کند تا ذکر و حضور قلب را از نماز بگیرد. یعنی همان عیار اصلی یک نماز خوب را.

بنابراین امام رضا(ع) فرمود این که در حین «الله اکبر» دست را بالا می‌آورید این یک نوع حاضر کردن نیت و آمادگی و حاضر کردن قصد و اقبال و روی آوری قلب به آن حرکات و الفاظی است که می‌خواهیم در نماز انجام بدهیم. خلاصه یک جور حواس جمعی به خودمان است، که حواس مان جمع باشد دیگر می‌خواهیم با خدا صحبت کنیم یا آیا حواسم جمع هست که دارم با خدا سخن می‌گویم؟ برای آن «الله اکبر»هایی که در حین نماز هست.

امام صادق(ع) در یک روایتی که در "مصباح الشریعه" در مورد تکبیر فرمودند «إِذَا كَبَّرْتَ فَسْتَسْقِرْ مَا بَيْنَ سَمَاوَاتِ الْأُولَى» وقتی که تکبیر می‌گویید کوچک بشمار - این خیلی مهم است - یعنی وقتی دارید می‌گویید «الله اکبر» خدا بزرگتر است از آن چه که وصف شود، واقعاً خدا را بزرگتر بدان از آن چیزی که بخواهد وصف شود یا بخواهد مقایسه شود با هر چیزی که در آسمان و زمین هست. با این طور نیتی که انسان وارد نماز شود یا «الله اکبر»هایی که مکرر انسان قرار است تکرار کند چقدر فضای نماز عوض می‌شود. خدای متعال را با عظمت خودش در نظر بگیریم.

در دعای کمیل چه تعبیر زیبایی است که می‌گوید «اللهم انی اسئلك بعظمتک الّتی ملأت کلّ شیء» خدایا من از تو درخواست می‌کنم بواسطه عظمت تو که هر شیئی را فرا گرفته



است، امام صادق (ع) می‌فرماید واقعاً «الله اکبر» که می‌گویی کوچک بشمار هر چیزی را که بین آسمان‌ها و زمین است چرا که «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا طَلَعَ عَلَى قَلْبِ عَبْدٍ وَهُوَ يَكْبِرُ وَفِي قَلْبِهِ عَارِضٌ أَنْ حَقِيقَتَهُ تَكْبِيرُهُ» اگر خدای متعال مطلع بشود که مطلع هست بر دل بنده‌ای که دارد تکبیر می‌گوید که در قلب او عامل متفاوتی با آن تکبیر ظاهری است که می‌گوید - خدای متعال در عالم معنا رو می‌کند، شاید ما نشنویم ولی این کار دارد انجام می‌شود - وقتی «الله اکبر» را از سویدای دل نگفتیم و واقعاً کوچک نشماردیم در نیت و در عمل، تمام ماسوی‌الله در مقابل خدای متعال است، خدای متعال رو می‌کند به این بنده می‌گوید یا کذاب، ای دروغگو «أَتَخْطِئُونِي؟» من را فریب می‌دهی؟ «و عزّتی و جلالی بمنک حلاوک ذکری» به عزت و جلالم سوگند که تو را از شیرینی یاد خودم محروم می‌کنم و تو را محجوب می‌کنم از نزدیکی به خودم و نشاط بواسطه مناجات خودم. بنابراین یکی از اسرار مهم تکبیر، این است که در تکبیر واقعاً انسان کوچک بشمارد. تکبیر، یعنی بزرگداشت، از لوازم بزرگداشت، کوچکداشت یک چیزی کوچکداشت یک چیزی است که مقابل آن چیزی که آن را بزرگ می‌دارید. وقتی خدا را می‌خواهید بزرگداشت کنید بایستی غیر خدای متعال را کوچک بشمارید.

در مورد تکبیر، نکات خیلی زیبایی از سفره معارف اهل بیت (ع) که مثل منورهایی واقعیات را به ما نشان می‌دهند و نگاه ما را به نماز به عنوان یک حقیقت برتر و به عنوان کلید موفقیت که در جلسات و فواصل قبل خدمت شما عرض کردیم به ما نشان می‌دهند و راهنشان برای ما می‌شوند.

اما در این فاصله، از سرّ "استقبال" بگویم. استقبال، یعنی رو به قبله کردن. واقعاً سرّ و باطن و ملکوت و غیب رو به قبله کردن چیست؟ در روایتی امام صادق (ع) می‌فرمایند «إِذَا اسْتَقْبَلَ قَبْلَهُ فَأَيْسَ مِنَ الدُّنْيَا» الآن وقتی شما در آداب عرفی، اگر کسی بخدا خدای نکرده در یک جلسه به کسی بی‌ادبی کند پشتش را به او می‌کند یعنی می‌خواهد بگوید من به تو توجهی ندارم اما وقتی رو به او می‌کند، قبله، از روی کردن، از قَبْلِ و اسْتَقْبَلَ می‌آید. قبله یعنی آنجایی که ما روی به او می‌کنیم. پس سرّ قبله، یعنی روی کردن به



خدای متعال و پشت کردن به هر چیزی به غیر از خدای متعال است. چقدر این نگاه ما را به این می‌ایستیم رو به قبله می‌تواند متفاوت باشد. این است که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند سرّ نمازهایتان را بدانید و الا نمازهایتان ناقص است.

امام صادق (ع) وقتی رو به قبله می‌کنید، «فَآیَسَ مِنَ الدُّنْيَا» چون رو به قبله کردی از دنیا و مافیة آن مأیوس شو، و تمام مردم، و آن چیزی که آن‌ها درگیر آن هستند – تعارف نداریم برای من حقیر زدن این حرف‌ها سخت است ولی خب از باب این که «أحب الصالحین و لست منهم» ما شاید جزو صالحین نباشیم ولی واقعاً دوست داریم به آن سمت حرکت کنیم – مردم و خیلی از ماها درگیر چیزهایی هستیم که شایسته انسان نیست، درگیر شهوت و غضب و دنیا، که تمام ذکر و فکر ما، تمام همّ و غمّ ما را به خودش اختصاص داده است. امام صادق (ع) می‌فرماید وقتی رو به قبله کردی واقعاً از دنیا و مافیای آن مأیوس شو. مأیوس شو از آن چیزهایی که مردم درگیر آن‌ها هستند. مردم درگیر چه هستند؟ مردم در فضاهای خودشان وقتی غافل می‌شوند – که انشاءالله ما نباشیم – فرمود «فَرَّقَ قَلْبَكَ أَنْ كُلِّ شَاغِلٍ» وقتی رو به قبله آوردی قلب خودت را خالی کن از هر چیزی که بخواهد دل تو را از خدای متعال مشغول کند و با باطن خودت، سعی کن عظمت خدای متعال را ببینی.

داریم سرّ استقبال و روی کردن به قبله را می‌گوییم، تو وقتی رو به چیزی کردی خوب به او نظاره می‌کنی، وقتی در یک مجلس رو به دوستت کردی و با او سخن می‌گویی داری به او نظاره می‌کنی، حالا که استقبال کردی و رو به قبله کردی، و قبله هم نماد خدای متعال با تمام عظمت‌ها و زیبایی‌هایش هست، سعی کن با باطن خود، معنای حقیقی استقبال را محقق کنی.